

مدرسه تفسیری علامه جوادی آملی

علی مدبر اسلامی*

چکیده

در این مقاله که به تبیین مدرسه تفسیری علامه عبدالله جوادی آملی می‌پردازد، علاوه بر بحث درباره «منهج تفسیری» و «گرایش تفسیری» ایشان، به «مبانی تفسیری» و نیز «شرایط مفسر» از منظر این مفسر و معرفی «شاخصه‌های ساختاری و محتوایی تسنیم»، اثر گرانتسنگ تفسیری ایشان، پرداخته می‌شود. گفتنی است که چون بنای مقاله بر اختصار است، در بسیاری از موارد، از تعلیل مدعاها پرهیز شده است؛ همچنین بسیاری از عبارات مقاله، متنی و نیازمند شرح و تفصیل است که برای شرح آن‌ها می‌توان به آثار ایشان مراجعه کرد. پس از اشاراتی به معناشناسی مدرسه و مکتب، ویژگی‌های مدرسه تفسیری استاد جوادی آملی در ۳ بخش مبانی صدوری، دلالی و مبانی مربوط به متن، تبیین می‌شود. در بخش پایانی به برخی از ویژگی‌های «تسنیم»، اثر تفسیری استاد جوادی آملی پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: منهج تفسیری، گرایش تفسیری، مبانی تفسیری، مدرسه تفسیری، تفسیر تسنیم، آیت‌الله جوادی آملی.

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (a.modabber@isca.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۵

معناشناسی «مدرسه تفسیری»

اصطلاح «مدرسه تفسیری» همانند دو اصطلاح «مکتب تفسیری» و «مذهب تفسیری» از اصطلاحات نوپدید در تفسیرپژوهی روزگار معاصر است که در تاریخ تفسیر پیشینه‌ای ندارد. در عرف تفسیرپژوهی کنونی، مراد از مدرسه تفسیری و مکتب تفسیری، یک چیز است که اولی در زبان عربی و دومی در زبان فارسی رواج یافته و هر دو مصطلح به معنای دیدگاهی اند در چگونگی تفسیر قرآن که در میان گروهی رواج یافته و پذیرفته شده است (بابایی، ۱۳۸۱: ۱۷/۱).

در گذشته، معمولاً منطقه جغرافیایی از مؤلفه‌های شکل‌گیری مدرسه یا مکتب تفسیری بوده است؛ به این معنا که مفسران ساکن در یک منطقه جغرافیایی دیدگاه و روش استادی در آن‌جا را پذیرفته و مدرسه‌ای تفسیری پدید می‌آوردند و از همین رو «مدرسه تفسیر» غالباً به نام مکان اضافه می‌شد؛ مانند «مدرسه تفسیر مکه» یا «مدرسه تفسیر کوفه» (معرفت، ۱۴۱۸: ۳۱۵/۱)؛ و از آن‌جا که محور یک مدرسه یا مکتب تفسیر، وجود استادی مؤثر در یک منطقه است، گاه عنوان مدرسه را به نام استاد مدرسه اضافه می‌کنند؛ مانند «مدرسه تفسیر ابن عباس» یا «مدرسه تفسیر ابن مسعود» (مسلم، ۱۴۱۵: ۴۵، ۴۷، ۸۵، ۱۲۹)؛ گاه نیز عنوان مدرسه به گرایش در تفسیر اطلاق شده است؛ مانند «المدرسة العلمية فی التفسیر» (عباس، ۱۴۲۷: ۳۰۱/۶، ۳۵۷) که به معنای گرایش علمی (علم تجربی) در تفسیر قرآن کریم است.

در مدرسه یا مکتب تفسیری معمولاً درباره سه موضوع بحث می‌شود: ۱. منهج یا روش تفسیری؛ ۲. گرایش یا اتجاه تفسیری؛ و ۳. خصایص و ویژگی‌های آن مدرسه یا مکتب تفسیری (مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، ۱۳۸۲: ۴۲/۸-۴۳).

مدرسه تفسیری آیت‌الله جوادی

در این مقاله که به تبیین مدرسه تفسیری علامه عبدالله جوادی آملی می‌پردازد، افزون بر بحث درباره «منهج تفسیری» و «گرایش تفسیری» علامه جوادی آملی، به «مبانی تفسیری» ایشان، همچنین «شرایط مفسر» از منظر این مفسر و معرفی «شاخصه‌های ساختاری و محتوایی تسنیم»، اثر گرانشنگ تفسیری ایشان، نیز پرداخته می‌شود. گفتنی است که چون بنای مقاله بر اختصار است، در بسیاری از موارد، از تعلیل مدعاها پرهیز شده است؛ همچنین بسیاری از عبارات مقاله، متنی و نیازمند شرح و تفصیل هستند که برای شرح آن‌ها می‌توان به آثار علامه جوادی^۱ مراجعه کرد.

مبانی تفسیر

تفسیر قرآن، مبانی خاصی دارد که می‌توان آن‌ها را به «مبانی صدوری»، «مبانی دلالتی» و «مبانی مربوط به متن» تقسیم کرد. از آثار قرآنی علامه جوادی آملی، از جمله تفسیر تسنیم می‌توان برخی مبانی تفسیری وی را استخراج کرد و این‌گونه برشمرد:

۱. مبانی صدوری

الف) و حیانی بودن الفاظ و معانی قرآن: قرآن کریم کلام و کتاب خدای سبحان است و افزون بر معانی، الفاظ آن نیز و حیانی و از جانب خدایند و چنین نیست که الفاظش از پیامبر اکرم ﷺ باشد. نقش رسول خدا ﷺ ابلاغ، تعلیم و تبیین قرآن کریم است؛ پس قرآن «إلهی الإیجاد و محمدی الإبلاغ است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: پیشگفتار مفسر).

ب) سلامت قرآن از تحریف: بر پایه ادله عقلی و نقلی معتبر، قرآن از هرگونه تحریف به زیاده و نقیصه مصون است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف). صیانت قرآن از تحریف، افزون بر تسنیم، در اثر مستقل مفسر به نام *نزهت قرآن از تحریف* به گونه مبسوط، آمده و به شبهات

۱. ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / پیشگفتار مفسر؛ ۱۳۸۶: ج ۱؛ و ۱۳۸۹ ب.

مربوط به آن نیز پاسخ داده شده است.^۱ یکی از ادله محرف نبودن قرآن، این است که کتاب مُحَرَّف، خود از اعتبار و حجیت ساقط است؛ و از این رو، نمی‌تواند منبع معارف دین جاودانه و جهان‌شمول اسلام و عامل هدایت بشر تا رستاخیز عالم و معیار سعادت ابدی انسان و میزان ارزیابی روایات معصومان علیهم‌السلام قرار گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۶/۱).

۲. مبانی دلالی

الف) تفسیرپذیری قرآن: قرآن کتابی پیچیده، مبهم و معماگونه نیست تا تفسیرپذیر نباشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۸/۱-۳۹ و ۸۸)؛ چنان‌که امام باقر علیه‌السلام فرمود: «هر کس بپندارد قرآن مبهم است، هم خود را نابود کرده است، هم دیگران را» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۰/۸۹).

ب) ضرورت تفسیر قرآن: معانی و معارف قرآن بدیهی نیستند تا به تفسیر نیاز نداشته باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵۲/۱-۵۴). گرچه قرآن خود را «نور» نامیده است (سوره نساء/۱۷۴؛ سوره مائده/۱۵)، نور بودن آن در برابر تیرگی ابهام است؛ نه در برابر ژرفایی، تا نور بودنش به معنای بدهت و بی‌نیازی از تفسیر باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵۶/۱). قرآن در عین نور بودن، دربردارنده معارف بلندی است که ضرورت تفسیر آن را آشکار می‌کند (همان: ۵۲/۱-۵۴).

مفسر تسنیم، هم داوری افراطی‌ها را (که برای انحصار حجیت در روایت و رویگردانی از قرآن، آن را بی‌زبان و اَبَکَم پنداشتند و جز معماهای نامفهوم چیزی برای آن قائل نبودند، یا زبان آن را رمز محض به معارف باطنی پنداشتند که جز اندکی، به آن دسترسی ندارند) و هم داوری تفریطی‌ها را (که صرف دانستن عربی را برای فهم قرآن کافی انگاشتند و افراد عادی را برای فهم معانی قرآن صالح پنداشتند و نیاز به علم تفسیر را انکار کردند) درباره قرآن مردود می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۸/۱-۳۹).

۱. ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۹۸-۹۹؛ نیز جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف.

ج) همگانی بودن فهم قرآن: هیچ «مطلبی» در قرآن نیست که انسان‌های متعارف از ادراک آن عاجز باشند، گرچه «آیاتی» در آن هست که تنها اندکی از عالمان الهی به ادراک عمق آن نایل می‌شوند؛ نظیر سوره اخلاص و آیات نخست سوره حدید؛ نیز آیه ۲۲ سوره انبیاء که بیانگر برهان فلسفی تمانع است: ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلُ اللَّهِ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾.

سرّ سازگاری میان دو مطلب یادشده این است که قرآن کریم، محتوای عمیق همان آیات را با مَثَل، تشبیه و داستان تنزل می‌دهد تا در دسترس فهم همگان قرار گیرد (همان: ۳۲/۱، ۳۶، ۳۸، ۷۳، ۹۰؛ و ۱۳۸۶: ۱/۴۶۸؛ و ۱۳۸۹: ۱/۷۴).

د) حجیت ظواهر قرآن: قرآن در دلالت بر محتوای خود، حجت مستقل است و حجیت ظواهر آن با ادله گوناگون ثابت شده و سخن برخی اخباریان درباره حجیت نبودن ظواهر قرآن، مردود است (همو، ۱۳۸۸: ۱/۸۸). نور و تبیان بودن قرآن، همگانی است و به معصومان علیهم‌السلام اختصاص ندارد. اختصاص فهم قرآن به معصومان علیهم‌السلام مخالف خود قرآن است که همگان را به تدبّر، تحدی، تعقل و... فراخوانده است. آری، مرحله کمالی و نهایی معرفت کتاب مکنون، ویژه اهل بیت علیهم‌السلام است و جز آن مطهران، کسی به آن دسترسی ندارد (همان: ۱/۸۹؛ و ۱۳۸۶: ۱/۷۵).

۳. مبانی مربوط به متن

الف) تعدد سطوح معنایی: قرآن کریم افزون بر معانی ظاهری، معانی باطنی‌ای دارد که از آن به «حقایق» یاد شده و در روایات معصومان علیهم‌السلام ظاهر و باطن داشتن قرآن به روشنی آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۵-۹۴/۸۹). معانی ظاهری نیز خود دارای سطوح سه‌گانه طولی «عبارات»، «اشارات» و «لطایف» هستند. بر پایه برخی روایات، عبارات قرآن که نازل‌ترین سطح معنایی قرآن است، بهره توده مردم است و اشارات آن بهره دانشمندان، و لطایف آن بهره اولیای الهی، و حقایق آن نصیب معصومان علیهم‌السلام: «کتاب الله علی أربعة أشیاء:

على العبارة و الإشارة و اللطائف و الحقائق، فالعبارة للعوام و الإشارة للخواص و اللطائف للأولياء و الحقائق للأنبياء» (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۵: ۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰/۸۹؛ نیز ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۷۷/۱).

گرچه هدایت قرآن در اصل، عمومی و همگانی است، همگان توفیق بهره‌گیری از همه مراتب آن را ندارند؛ زیرا اموری مانند تقلید باطل از گذشتگان، گناه و تبهکاری و الحاد و عناد ملحدانه، قفل‌های قلب آدمی و مانع تدبّر و بهره‌گیری از قرآن است: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمّد/۲۴؛ ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۷/۱-۳۸؛ ۱۳۸۶: ۳۰/۱-۳۱، ۴۸؛ ۱۳۸۹: ۷۷).

ب) همسویی معارف ظاهری با معارف باطنی: چنان‌که معانی ظاهری قرآن با یکدیگر هماهنگ هستند، معانی باطنی قرآن نیز با هم سازگارند، همان‌گونه که پیوند هر ظاهر با باطن برتر از خود محفوظ است؛ بنابراین همان‌گونه که با فنّ بدیع تفسیر قرآن با قرآن می‌توان از راه پیوست ظاهرها به یکدیگر به معارف عام قرآن دست یافت، از انضمام باطن‌ها به یکدیگر نیز راه دستیابی به معارف خاص آن گشوده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲۸/۱؛ ۱۳۸۶: ۹۶/۱-۹۷).

ج) جامعیت: قرآن کریم کتابی جامع و دربردارنده همه نیازهای هدایتی انسان تا روز قیامت است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۱/۱-۳۴).

د) جاودانگی و جهان‌شمولی: قرآن، کتابی جاودانه و همیشگی، و جهان‌شمول و همگانی است و چون رسالت هدایت همه انسان‌ها را در تمامی اعصار و امصار دارد، آیاتی که به مناسبت اوضاع خاص نازل شده‌اند، به همان اوضاع منحصر نیستند، بلکه در آینده همانند گذشته، جاری و حاکمند و «مورد نزول» جز در مواردی اندک، منحصص آن نیست و به تمام مواردی که در صفات و ویژگی‌ها با مورد نزول همسان هستند، سرایت

می‌کنند. این ویژگی در عرف روایات، «جزی» (جاری بودن احکام قرآن در همه عصرها و نسل‌ها) نام گرفته است (همان: ۱۶۷/۱-۱۶۹، ۲۳۳-۲۳۴).

منهج تفسیری علامه جوادی

منهج یا روش تفسیری، شیوه‌ای کلی است که مفسر آن را در کشف مراد خدای متعال از آیات قرآن به کار می‌گیرد و اختلاف در آن موجب اختلاف در سراسر تفسیر می‌شود. منهج تفسیر، پیوندی تنگاتنگ با «منابع و مستندات تفسیر» دارد و بر این اساس، آنچه منهج یک مفسر را تعیین می‌کند، نوع منابعی است که آن مفسر در تفسیر از آن‌ها بهره می‌برد و اختلاف در منبع، اختلاف در منهج را در پی دارد.

منهج تفسیری یا منهج تفسیر، به مآثور صرف (تفسیر روایی محض) است که اجتهاد و کوشش فکری مفسر در آن نقشی ندارد، یا اجتهادی است که بر درایت و عقل و کوشش فکری مفسر تکیه می‌کند، اگرچه از روایت و نقل نیز بهره می‌برد. در این روش، مفسر با کاوش و ژرف‌نگری خردورزانه در ادله و شواهد درونی آیه و آیات دیگر، همچنین کاوش در روایات تفسیری معصومان علیهم‌السلام و به‌کارگیری براهین عقلی به تفسیر قرآن می‌پردازد. تفسیر اجتهادی نیز یا غیر جامع است که از همه منابع تفسیر بهره نمی‌برد، یا جامع است که از همه منابع و مستندات تفسیر (قرآن، سنت، عقل تجریدی و عقل تجربی) بهره می‌گیرد.

تسنیم دارای روش و «منهج اجتهادی جامع» است؛ بدین معنا که اولاً تفسیر به مآثور صرف نیست، بلکه محصول کوشش فکری و اجتهاد مفسر آن است؛ ثانیاً در این تفسیر از همه منابع و مستندات تفسیر استفاده شده است و در نتیجه، روش‌های چهارگانه تفسیر قرآن با قرآن، تفسیر قرآن با سنت، تفسیر قرآن با عقل تجریدی و تفسیر قرآن با عقل تجربی که همان داده‌های علم تجربی است، در آن دیده می‌شوند. البته پهنه گسترده روش تفسیر قرآن با قرآن، با دو روش دیگر قابل مقایسه نیست.

۱. تفسیر قرآن با قرآن

از دیدگاه علامه جوادی آملی، آیات قرآن در ارائه معارف الهی، برخی اصلی و برخی فرعی به شمار می‌آیند و آیات فرعی به کمک آیات اصلی و محوری روشن می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶۱/۱).

قرآن به لحاظ نور بودن و به لحاظ استقلال در حجیت، می‌تواند خود را تفسیر کند و این شیوه تفسیر، حجت است. حجیت قرآن همانند حجیت قطع، ذاتی است؛ اگرچه مطالب قرآنی در درجه حجیت یکسان نیستند: برخی قطعی‌اند که حجت قطعی‌اند و برخی ظنی‌اند، و در نتیجه، حجیت آن‌ها ظنی است. اما در هر صورت حجیت قرآن ذاتی است و در اعتبار خود و مدار غیر نیست (همان: ۶۳/۱-۶۴). البته رهاورد تفسیر قرآن با قرآن پیش از فحص و بررسی سنت، نمی‌تواند مبنای اعتقاد و اخلاق و عمل قرار گیرد (همان: ۱۵۹/۱-۱۶۲).

قرآن مهم‌ترین منبع تفسیری تسنیم و رجوع به آیات آن در همه مباحث، اصلی خدشه‌ناپذیر است و بر پایه آگاهی فراگیر مفسر به معارف قرآنی، هر آیه به گونه‌ای تفسیر شده که در آن، سراسر قرآن (در حد وسع) مورد نظر بوده و از آیات موافق به عنوان استدلال و استمداد استفاده شده و اگر دلیل یا تأییدی از برخی آیات برای آیه مورد بحث نبوده، آیه یادشده به گونه‌ای تفسیر شده است که با هیچ آیه‌ای مناقض نباشد و هرگونه احتمال یا وجهی که با دیگر آیات ناسازگار باشد، مردود دانسته شده است؛ زیرا ناسازگاری آیات، با انسجام اعجاز‌آمیز قرآن کریم، سازگار نیست.

گفتنی است که در پیشگفتار تسنیم، هم صور و اقسام ده‌گانه تفسیر قرآن با قرآن بیان شده است (همان: ۱۱۰/۱-۱۲۸)، هم به شبهات منهج تفسیر قرآن با قرآن پاسخ داده شده است (همان: ۷۳/۱-۱۰۴).

۲. تفسیر قرآن با سنت

مراد از تفسیر قرآن با سنت، تفسیر آن با روایات تفسیری پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت معصوم علیهم السلام است. به باور علامه جوادی آملی، تفسیر قرآن با سنت، از بهترین و لازم‌ترین راه‌های فهم قرآن، و سنت معصومان علیهم السلام از منابع دانش تفسیر است؛ اما چنین تفسیری در عین ضرورت، در طول تفسیر قرآن با قرآن است، نه در عرض آن؛ زیرا حدیث تفسیری در دو جهت به قرآن وابسته و وامدار آن است:

(الف) در تأمین حجیت؛ چون آنچه حجیت ذاتی دارد، کلام اعجاز‌آمیز خدای سبحان است و پس از آن حقانیت پیامبر اکرم ﷺ در ادعای رسالت ثابت می‌شود و آن‌گاه سنت نبوی (اعم از قول و فعل و تقریر) به گونه مستقیم و سنت اهل بیت علیهم السلام به شکل نامستقیم و با بیان و رهنمود نبوی ﷺ حجیت می‌یابند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳۲/۱-۱۳۳).

(ب) در تأیید محتوا؛ زیرا به گفته پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام همه سخنان منسوب به آنان باید بر قرآن کریم عرضه و در صورت عدم مخالفت با قرآن پذیرفته شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۹/۱-۸۳). البته سنت قطعی به سبب قطع به صدور آن از معصوم علیهم السلام و یقین به جهت و دلالت آن، از عرض بر قرآن بی‌نیاز است (همان: ۷۸/۱-۸۲، ۱۳۹، ۱۴۱). بر این اساس، لزوم عرض حدیث بر قرآن، مخصوص به سنت غیرقطعی است؛ چون سنت قطعی، خود همانند قرآن کریم میزان است، نه موزون؛ هرچند بر فرض توزین چیزی غیر از هم‌آوایی این دو گوهر معصوم به دست نمی‌آید.

روایات تفسیری پس از کسب اصل حجیت از قرآن و به دست آوردن صلاحیت تفسیر کتاب الله، یعنی پس از تأیید محتوای آن‌ها بر اثر عدم مخالفت با قرآن، در خدمت تفسیر قرآن کریم قرار می‌گیرند؛ چنان‌که در مواجهه با یکی از احتمال‌های هم‌رتبه و مساوی در معنای آیه، با بهره‌گیری از حدیث معتبر تفسیری می‌توان احتمالی را ترجیح داد (همان: ۱۳۳/۱).

علامه جوادی آملی از ادله و مؤیدات روایی در تفسیر هر آیه بهره گرفته و آیه را به گونه‌ای تفسیر کرده است که با سنت قطعی معصومان علیهم‌السلام مناقض نباشد؛ زیرا تباین قرآن و سنت، همان افتراق این دو حبل الهی است که هرگز از هم جدایی ندارند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳/۸۹).

۳. تفسیر قرآن با عقل تجربیدی

در نگاه علامه جوادی آملی، قرآن کریم آشکارا به براهین عقلی ارجح می‌نهد و خود نیز برای تبیین معارف الهی، از جمله توحید، ادله قاطع عقلی اقامه می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ب: ۱۶۰-۱۶۱)؛ از این رو، خود سند حجیت عقل است. عقل برهانی یا تجربیدی، همان قوه‌ای است که اصل وجود مبدء، معاد، وحی و نبوت و اسماء و صفات خدا را اثبات می‌کند و رسول باطنی خداست و رهاوردش حجت الهی است. بر این اساس، رهنمودهای عقل برهانی در همه زمینه‌ها، از جمله در دین‌شناسی و استنباط از قرآن، حجت هستند و در همه مراحل تفسیر باید مراعات شوند و هرگز با قطع نظر از آنها نمی‌توان قرآن را تفسیر کرد (همو، ۱۳۸۶: ۱۱۳/۱، ۴۲۵). عقل گرچه در هستی دین هیچ سهمی ندارد، در معرفت آن تأثیری بسزا دارد.

عقل در تفسیر قرآن، گاه چونان «مصباح» (چراغ) است؛ یعنی با تأمل در شواهد داخلی و خارجی آیه، معنای آن را درمی‌یابد که این، گونه‌ای از تفسیر نقلی است، نه تفسیر عقلی؛ زیرا با تأمل و تدبیر در منابع نقلی به دست آمده است، گرچه تأمل‌کننده آن عقل است. گاه نیز عقل در تفسیر قرآن، «منبع معرفتی» است؛ یعنی برخی از مبادی استدلال تفسیری از منبع معرفتی عقل برهانی استنباط می‌شوند که در اصطلاح «تفسیر قرآن با عقل» است (همو، ۱۳۸۸: ۱۶۹/۱-۱۷۰).

حاصل حجیت و اعتبار عقل در تفسیر چنین است که اگر عقل برهانی در تفسیر قرآن مطلبی را اثبات یا نفی کند، به حتم در تفسیر قرآن باید آن مطلب ثابت شده مصون بماند و

با ظاهر هیچ آیه‌ای نفی نشود و مطلبِ نفی شده منتفی باشد و با ظاهر هیچ آیه‌ای ثابت نشود؛ چنان‌که اگر آیه‌ای دارای چند احتمال معنایی باشد و جز یک محتمل معین، دیگر احتمال‌ها عقلاً منتفی باشند، باید به کمک عقل برهانی، آیه مورد بحث را فقط بر همان محتمل حمل کرد؛ یا چنانچه آیه‌ای دارای چند محتمل باشد که یکی از آن‌ها طبق عقل برهانی ممتنع باشد، حتماً باید آن محتمل ممتنع را نفی کرد و آیه یادشده را بدون ترجیح (در صورت فقدان رجحان) بر یکی از محتمل‌های ممکن حمل کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۷/۱).

البته تعارض عقل قطعی با نقل یقینی، ممکن نیست و براین اساس، تعارض متوهم با نظر دقیق برداشته می‌شود، چنان‌که دو دلیل عقلی قطعی یا دو دلیل نقلی یقینی هرگز معارض یکدیگر نیستند (همان: ۱۶۳/۱).

۴. تفسیر قرآن با عقل تجربی

مراد از عقل تجربی، رهاورد دانش تجربی است. از دیدگاه علامه جوادی آملی، گرچه رهاورد علم را نباید بر قرآن تحمیل کرد، براهین یا شواهد اطمینان‌بخش تجربی و تاریخی به مفسر کمک می‌کنند معارف و معانی بیشتر و عمیق‌تری از قرآن استنباط کند. روشن است که رهاورد دانش تجربی تنها می‌تواند شاهد، قرینه و زمینه برای ادراک خصوص مطالب تجربی و تاریخی قرآن باشد؛ نه خارج از آن‌ها (همان: ۵۸/۱).

باید توجه داشت که چون همواره خطر احتمال تبدل فرضیه‌ای علمی به فرضیه‌ای دیگر هست، مفسر نباید برای فرضیه‌های علمی، ارج برهانی قائل باشد و نباید قرآن را با فرضیه‌های ثابت نشده تفسیر کند؛ زیرا قرآن ثابت است و فرضیه‌ها متغیرند؛ و ثابت را با متغیر نمی‌توان تفسیر یا بر آن تطبیق کرد.

هرگز نباید محتوای ظنی متون دینی را به شکل قطعی به حساب دین گذاشت و با برخی فرضیه‌های علمی موجود، تطبیق کرد که در این صورت با تبدیل آن فرضیه به

فرضیه‌ای دیگر، آموزه‌های دین در نظرها سست خواهند شد؛ چنان‌که گروهی با تحمیل رهاورد هیأت بطلموسی بر قرآن، به چنین وضع نامطلوبی گرفتار شدند (همان: ۱۵۸/۱-۱۵۹).

تفسیر قرآن به کمک دانش تجربی، اولاً درباره آیاتی است که بیانگر مسائل علمی و نشانه‌های خدا در آفرینش هستند؛ مانند این‌که آسمان‌ها و زمین در آغاز خلقت «رُثِق» (بسته) بودند و سپس «فُتِق» (گشوده) شدند (انبیاء/۳۰). این‌گونه معارف، نه «ثمره فقهی» دارند و نه «جزم علمی» در آن‌ها معتبر است. ثانیاً آنچه از محتوای آن‌ها به شکل ظنی برداشت می‌شود، در همان محدوده ظن (گمان) قابل اسناد به دین است، نه بیش از ظن. در اسناد مطلب به صاحب شریعت، باید مقدار فهم استنباط‌کننده و نصاب دلیلی که در دست دارد و گونه یقینی که در دل دارد، همگی لحاظ شوند؛ یعنی اسناد گاهی قطعی (در صورت قطع) و گاهی ظنی (در حالت مظنه و گمان) است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۷۱/۱-۱۷۴). ثالثاً چنانچه رأی دانشمندان علوم طبیعی و تجربی درباره آن‌ها دگرگون شود (کشف بطلان گزاره علم تجربی)، می‌توان درباره استنباط از متون دینی نیز تجدیدنظر کرد؛ زیرا تبدل مسائل طبیعی مستفاد از ادله نقلی (مثلاً به کمک علم تجربی) مانند تبدل مسائل فقهی مستنبط از آن است و تفاوتی از این جهت وجود ندارد و پایه‌های دین با این‌گونه تبدل رأی‌ها سست نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۷۴/۱).

به باور علامه جوادی آملی، درباره منابع تفسیر قرآن به این چهار نکته کلیدی نیز باید توجه داشت:

۱. مفسر باید به عُرر آیات سوره نگاهی ویژه داشته باشد و با تکیه بر آیات کلیدی که نسبت به دیگر آیات درخشش بیشتری دارند، قرآن را تفسیر کند. این‌گونه آیات، بیشتر بیانگر معارف توحیدی‌اند و بر پایه آن‌ها باید قرآن کریم تفسیر شود؛ یعنی با شناسایی و لحاظ آیات زیربنایی، هر احتمال معنایی را که مخالف با آن‌ها باشد، باید باطل دانست و

هر احتمالی را که به این آیات نزدیک تر باشد، باید ترجیح داد؛ چون توحید، زیربنای همه معارف دینی و پایه اخلاق و اعمال شایسته است (همو، ۱۳۸۶: ۱/۴۳۰-۴۳۹).

۲. سیاق آیات، از عناصر مهم تفسیر قرآن به شمار می آید و اعتماد بر آن و همچنین تکیه و اعتماد بر شواهد درونی آیات، بر اساس نطق و شهادت و هماوایی آنها نسبت به یکدیگر (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳، بند ۷؛ هندی، ۱۴۱۹: ۱/۶۱۹، ح ۲۸۶)، بر حدیث تفسیری مقدم است. البته بهره گیری از سیاق، مشروط به احراز نزول جمعی آیه با آیاتی است که از سیاق آنها برای آیه مورد بحث استفاده می شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/۱۶۵؛ و ۱۳۸۶: ۱/۹۴).

۳. آرای مفسران غیر معصوم، از منابع معتبر تفسیر قرآن نیستند و تنها به عنوان رأیی علمی محترمند؛ چنان که در علم فقه، آرا و فتاوی دیگر فقیهان برای فقیه مستنبط در استنباط احکام فرعی فقهی از منابع دین، حجیت ندارند و فقط برای تکامل علمی فقیه مستنبط راهگشا و زمینه سازند. فرقی هم میان مفسران اعصار پیشین، مانند صحابه و تابعان و مفسران اعصار پسین و معاصران نیست؛ زیرا هیچ یک از آنها معصوم نیستند تا کلام آنان حجت شرعی و منبع استنباط احکام و حکم شریعت باشد (همو، ۱۳۸۸: ۱/۲۳۲؛ و ۱۳۸۶: ۱/۱۹).

۴. کشف و شهود عرفانی اهل معرفت نیز معیار تفسیر قرآن نیست و تنها مُنْکَشَف و مشهود آنان، در صورت انطباق با موازین قطعی دینی و اطمینان از صحت آن، از مصادیق آیه شمرده می شود؛ نه تفسیر مفهومی و نه محور منحصر آیه (اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

گرایش تفسیری علامه جوادی

از مصطلحات رایج در تفسیر پژوهی کنونی، مصطلح «گرایش تفسیری» یا «اتجاه تفسیری» است. گرایش های تفسیری از شاخه ها و ویژگی هایی اند که موجب تمایز تفاسیر از یکدیگر می شوند و این شاخه ها تابع باورها و گرایش های پیشین مفسرند و با

جهت دادن به تفسیر وی، گرایش فکری مفسر را هم در تفسیر آشکارا نشان می‌دهند (ابوطبره، ۱۳۷۲: ۲۳).

فهد رومی گرایش تفسیری را همان هدفی می‌داند که مفسر در تفسیر خود به آن روی می‌آورد و در تفسیرنگاری آن را نصب‌العین خود قرار می‌دهد (رومی، ۱۴۱۸: ۲۲/۱-۲۳). برخی نیز گرایش تفسیری را به صبغه‌هایی تعریف کرده‌اند که تفاسیر بر اثر اموری مانند افکار و عقاید مفسران پیدا کرده‌اند؛ مانند گرایش اشعری و گرایش اعتزالی (بابایی، ۱۳۸۱: ۱۹/۱-۲۰).

مراد ما از گرایش تفسیری در این مقاله، صبغه‌ها و لون‌های گوناگونی است که از یک سو برخاسته از باورها، گرایش‌ها و اهداف مفسر و از سوی دیگر، برخاسته از توانمندی‌های او هستند و با عناوینی مانند گرایش‌های ادبی، کلامی، تاریخی، فقهی، علمی، اجتماعی یا عصری، وعظی یا واعظانه، هدایتی-تربیتی و عرفانی شناخته می‌شوند. گفتنی است که اولاً در درون برخی کلان‌گرایش‌ها مانند گرایش ادبی که اصل و غالب در گرایش‌های تفسیری است و از سده نخست هجری تاکنون وجود داشته، گرایش‌های خردی مانند گرایش لغوی، نحوی-اعرابی، و بیانی و بلاغی وجود دارد. ثانیاً گرایش تفسیری برخی مفسران، یک‌سویه یا تک‌ساحتی و برخی چندسویه و چندساحتی است؛ بدین معنا که بیش از یک گرایش را در خود گرد آورده است. گرایش تفسیری علامه جوادی آملی که در اثر تفسیری او تسنیم متجلی است، چندسویه است:

۱. **گرایش کلامی و معرفتی:** این رویکرد، جهت‌گیری کلی تفسیر در تبیین و تثبیت پایه‌های اعتقادی و باورهایی است که پایه‌های سعادت آدمی را می‌سازند. به باور مفسر تسنیم در میان ابعاد سه‌گانه وجودی آدمی (عقیده، خلق، عمل) مهم‌ترین آن‌ها عقیده است

(جوادی آملی ۱۳۸۸: ۱۷۵/۲-۱۷۶)؛^۱ از این رو، آیات بیانگر معارف اعتقادی در قرآن کریم، اهمیتی ویژه دارند و تفسیر این گونه آیات، حجم قابل توجهی از تسنیم را به خود اختصاص داده‌اند.^۲

علامه جوادی آملی که از مدرسان نامدار و صاحب نظر فلسفه و عرفان اسلامی و حکمت متعالیه صدرایی است، در بیشتر آیات بیانگر معارف عقلی (کلامی، فلسفی، عرفانی)، به تبیین معارف یادشده پرداخته است.^۳

۲. **گرایش اخلاقی و تربیتی:** اخلاق، سرچشمه زاینده رفتارهای نیک و بد آدمی است که در مراتب هستی او، در درجه دوم اهمیت و پس از اعتقاد قرار دارد^۴ و در تسنیم از همین منظر به آن عنایت شده است و مباحث فراوانی در تبیین و تعلیل مسائل اخلاقی (اعم از فضایل و رذایل) در آن آمده است^۵

۳. **گرایش اجتماعی و عصری:** تسنیم دارای گرایش اجتماعی است و از این رو، در فضایی تجربیدی و بریده از وضع جهان و جامعه و نیازها و اوضاع خاص انسان معاصر به تفسیر قرآن نمی پردازد، بلکه ناظر به واقعیات اجتماعی است و در تطبیق اصول و احکام کلی قرآن بر اوضاع زمانه و پاسخ گویی به نیازهای زندگی اجتماعی می کوشد. نگارش تسنیم در دوران حاکمیت نظام اسلامی صورت گرفته است و از این رو، توجهی ویژه به مباحث حکومتی و اجتماعی مورد نیاز نظام اسلامی در آن مشاهده می شود.

۱. نیز ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۵۶/۶؛ و ۱۳۸۸: ج ۹/۱۳۸.
 ۲. برای نمونه، ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۸۸-۵۸۶/۱۲؛ و ۱۳۸۸: ۱۸/۷۸.
 ۳. برای نمونه، ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۰۳/۱؛ ۳۰۶، ۳۵۲/۲ و ۷۸/۲؛ و ۱۳۱/۳؛ ۱۱۳، ۱۳۸، ۲۶۰، ۲۷۴، ۳۴۶، و ۴۶۹؛ ۵۳/۴؛ ۳۵۰ و ۴۰۹؛ ۱۳۳/۵؛ ۱۳۸۸: ب؛ ۱۸۷/۷؛ ۱۳۸۷: ۱۱/۳۳۶؛ ۱۳۸۸: ۱۳/۳۱۳؛ ۱۴/۱۷۰؛ ۱۶/۲۷۴؛ ۱۷/۱۶۳؛ ۱۸/۱۰۳؛ ۱۹/۱۹۹؛ ۲۰/۶۰ و ۵۵۴.
 ۴. ر.ک: جوادی آملی ۱۳۸۸: ۱۷۵-۱۷۶/۲؛ ۵۵۶/۶؛ ۱۳۸۸: ۹/۱۳۸.
 ۵. برای نمونه، ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۶-۱۴۷-۱۵۱؛ ۱۷/۳۳۳-۳۳۴؛ ۱۸/۳۲-۱۳۸؛ ۲۳/۱۰۲؛ ۲۴/۱۱۴-۱۱۵ و ۱۵۶-۱۵۷.

از ویژگی‌های برجسته‌تسنیم در رویکرد آن به مسائل اجتماعی، این است که ضمن پاسخ‌گویی به نیازها و اقتضائات خاص زمان، روش‌مندانه به تفسیر قرآن پرداخته و از افکار الحادی و سکولار اثر نپذیرفته و رهاورد علوم بشری را بر قرآن تحمیل نکرده است. برخی مسائل اجتماعی بیان‌شده در تسنیم از این قرار است: فقر و غنا^۱ و عزت و ذلت جوامع انسانی^۲؛ اتحاد و اختلاف در جامعه^۳؛ عدالت اجتماعی^۴؛ امر به معروف و نهی از منکر^۵؛ حسن سلوک و همجواری با مردم^۶؛ وفا به عهد و پیمان اجتماعی^۷؛ انفاق و خدمات مالی و اطعام گرسنگان^۸؛ مبارزه با مفسده‌گرایان^۹؛ عبادات جمعی و اجتماعی^{۱۰}؛ ولایت فقیه و حکومت دینی^{۱۱}؛ رابطه با کافران^{۱۲}؛ روابط بین‌الملل^{۱۳}؛ دشمن‌شناسی^{۱۴}؛ مبارزه با هرج و مرج^{۱۵}؛ و تقوای سیاسی اجتماعی و نظامی^{۱۶}؛ وظیفه دولتمردان و رهبران دینی^{۱۷}؛

۱. ر.ک: همو، ۱۳۸۸: ۳۶۲.
۲. ر.ک: همان: ۴/۶۵۵؛ ۱۰/۵۵۲؛ ۱۵/۲۵۷.
۳. ر.ک: همان: ۴/۶۱۴؛ ۱۰/۲۲۴، ۲۶۸، ۲۸۲، ۲۹۶، ۴۰۹، ۴۸۰؛ ۱۵/۲۲۹، ۲۳۷، ۳۰۰، ۳۰۲.
۴. ر.ک: همان: ۱۲/۵۷۴.
۵. همان: ۴/۱۳۷؛ ۱۳/۴۹۶؛ ۱۵/۲۵۷، ۳۴۱.
۶. همان: ۵/۳۶۴؛ ۹/۶۶۸؛ ۱۲/۳۵۸؛ ۱۳/۶۶۴.
۷. همان: ۴/۳۲؛ ۵/۶۶۲؛ ۹/۶۳۱؛ ۹/۱۲۴؛ ۱۴/۱۷.
۸. همان: ۲/۱۶۷؛ ۹/۱۷۶؛ ۹/۱۰۸؛ ۱۰/۶۶۱؛ ۱۰/۵۱۳؛ ۱۱/۶۶؛ ۱۲/۹۲؛ ۱۲/۳۱۶، ۳۳۹، ۳۶۵، ۳۸۲، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۱۸، ۴۹۴، ۵۰۹.
۹. همان: ۲/۵۶۶؛ ۲/۵۷۴؛ ۱۰/۲۲۳.
۱۰. همان: ۴/۱۱۹.
۱۱. همان: ۳/۱۲۳؛ ۱۷۸؛ ۱۰/۲۳۶-۲۳۹؛ ۱۵/۲۷۴.
۱۲. همان: ۳/۱۲۳؛ ۱۷۸؛ ۱۰/۲۳۶-۲۳۹؛ ۱۵/۲۷۴.
۱۳. جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵/۲۷۳، ۴۳۳، ۴۴۲.
۱۴. همان: ۶/۴۲.
۱۵. همان: ۳/۱۷۸.
۱۶. همان: ۳/۲۰۱، ۶۵۰.
۱۷. ر.ک: همان: ۱۴/۱۴۵.

لزوم پرداخت مالیات و تأمین هزینه حکومت اسلامی^۱؛ نفی سرمایه‌داری و اشتراکیت^۲؛ اصول علمی و عملی مدینه فاضله^۳؛ جنگ و جهاد^۴؛ و لزوم پیوند با ارحام، برادران دینی، امت اسلامی و امام مسلمانان.^۵

بنا بر آنچه گذشت، گرایش تفسیری علامه جوادی آملی را می‌توان گرایشی چندسویه و جامع دانست؛ زیرا سه گرایش «کلامی و معرفتی»، «اخلاقی و تربیتی» و «اجتماعی و عصری» را در خود گرد آورده و چنین رویکردی با مقاصد قرآن کریم هماهنگ است؛ کتابی که خود را «نور»، «هدایت» و «شفا» می‌خواند و عنایت ویژه‌ای به جهان‌بینی، اخلاق و مسائل اجتماعی دارد.

شرایط مفسر از منظر علامه جوادی

از منظر علامه جوادی آملی، مفسر قرآن کریم باید از برخی ویژگی‌ها و شرایط و توانمندی‌ها برخوردار باشد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. آشنایی با ادبیات عربی مؤثر در فهم قرآن: آشنایی مفسر با قواعد ادبیات عرب (لغت، صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و...) و علوم پایه مؤثر در فهم قرآن، نخستین شرط توانمندی مفسر برای تفسیر قرآن است و عمومی بودن فهم قرآن بدین معنا نیست که هرکس، گرچه به قواعد ادبیات عرب و علوم پایه مؤثر در فهم قرآن آشنا نباشد، حق تدبیر در مفاهیم قرآنی و استنباط از قرآن را دارد و سرانجام می‌تواند به نتیجه استنباط خویش استناد کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۹/۱).

۱. ر.ک: همان: ۶۶۶/۳.

۲. ر.ک: همان: ۶۱۹/۴.

۳. ر.ک: همان: ۲۷۰/۱۵.

۴. ر.ک: همان: ۵۳۶/۱۰.

۵. ر.ک: همان: ۵۵۹/۲، ۵۶۱، ۵۷۸.

۲. برخورداری از علوم پایه مؤثر در فهم قرآن: افزون بر توانمندی‌های ادبی که در بند پیش بیان شد، تحصیل علوم و اندیشه‌های مستدل دیگر نیز ظرفیت فکری مفسر را برای تحمّل گسترده‌تر معارف قرآن گسترش می‌دهد. نور و تبیان بودن قرآن (استقلال در دلالت بر محتوای خود) و غنای محتوایی آن (از علوم بیرونی) نیز مستلزم آن نیست که مفسر جاهلانه به قرآن رو کند و علوم و معارف پایه و پیش‌دانسته‌ها را نادیده بگیرد. مفسر نباید علوم و یافته‌های بشری را به قرآن «تحمیل» کند؛ اما با کسب علوم گوناگون می‌تواند زمینه «تحمّل» معارف قرآنی را در خود فراهم آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۸/۱-۲۹)؛ چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام دل‌ها را ظرف‌ها، و بهترین آن‌ها را پرگنجایش‌ترین آن‌ها شناسانده است (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷). بدرالدین زرکشی نیز دربارهٔ زمینه‌سازی علوم برای تفسیر قرآن براین باور است که هرکس بهره‌اش از دانش‌ها فراوان‌تر باشد، نصیب او از علم قرآن افزون‌تر است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۲۵/۲).

۳. رعایت روش‌مندی و پرهیز از تفسیر به رأی: تفسیر هر کلام دینی (قرآنی یا روایی) یا غیردینی باید روش‌مند باشد تا بتوان آن را به‌گوینده‌اش نسبت داد. روش‌مندی در تفسیر قرآن، در رعایت منهج اجتهادی جامع و پرهیز از تفسیر به رأی است. براین اساس، کلام الهی را نمی‌توان «تفسیر به رأی» کرد و سپس آن را به خدا نسبت داد و در واقع تفسیر به رأی، «تحمیل» رأی به قرآن و «تطبیق» قرآن با رأی مفسر است، نه «تفسیر» قرآن (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۰۸/۱، ۱۳۱).

۴. توسعه فرهنگ مفاهیم: تفسیر همهٔ معارف قرآن با دستمایه‌های متعارف و رایج (آشنایی مفسر با قواعد ادبیات عرب و علوم پایه مؤثر در فهم قرآن) ممکن نیست. در منطقه‌ای که ظرفیت لغت و ادبیات عرب، تاب مظروف عمیق و رفیع و حیانی را ندارد، باید «صنعت ادبی ویژه وحی» را دریافت که خداوند سبحان در کالبد واژگان عرب اعمال کرده و سطح ادبیات عرب را ارتقا داده است.

توسعه فرهنگ مفاهمه راههایی دارد که برخی از آنها مربوط به واژگان و بدین شرح است:

الف) الفاظ برای «ارواح معانی» یعنی برای «مفاهیم عام» وضع شده‌اند، نه برای مصداق‌های خاص، گرچه واضعان ابتدایی، برخی از مراتب آن ارواح بلند را ندانند و بر اثر جهل یا غفلت از مراحل عالی، انحصار معنا در مصداق خاص را توهم کنند.

ب) گرچه الفاظ برای همان مرتبه وضع شده باشند که مورد فهم واضعان ابتدایی است، استعمال آن‌ها درباره مصداق دیگر یا تطبیق آن معنا بر مصداق برتر، از قبیل توسعه و مجاز خواهد بود.

علامه جوادی آملی از این نکته به «نکته حساس و شایان اهتمام در تفسیر» یاد کرده، بر این باور است که تکیه بر خصوص قواعد ادبی عرب و جمود بر مصداق مادی واژگان قرآنی برای رسیدن به مراد آیات، عامل سقوط در ورطه تفسیر به رأی است (همان: ۱۱۴/۱-۱۱۸).

ایشان در نقدی بر تفسیر زمخشری از آیه ۳۱ سوره آل عمران: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ...» می‌نویسد: «زمخشری و همفکرانش (معتزله) می‌گویند که محبت به خدا تعلق نمی‌گیرد و خدا «محبوب» بشر نمی‌شود... بنابراین اطلاق «محبوب» بر حضرت حق تعالی مجاز است...^۲ تفسیر قرآن صرفاً به زبان عرف، نحو، صرف و ادبیات محاوره‌ای، بی‌آشنایی به زبان خود قرآن کریم چنان پیامدهایی دارد... این الفاظ در معنای حقیقی خود به کار رفته‌اند و خدا برای هرکسی به اندازه معرفت او «محبوب» و «مرهوب» است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۰/۱۴-۴۱).

۱. نیز ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۱۶/۱-۲۱۹.

۲. ر.ک: زمخشری، ۱۳۹۷: ۴۲۳/۱.

نگاهی به «تسنیم» اثر تفسیری استاد

حکیم و مفسر معاصر، علامه عبدالله جوادی آملی، در شاخه‌های گوناگون علوم اسلامی، از جمله فقه و اصول، حدیث پژوهی، تفسیر قرآن کریم، حکمت متعالیه و عرفان اسلامی، آثار گرانسنگی (۲۵۰ جلد) دارد که تا زمان تألیف این مقاله (سال ۱۳۹۷ش) حدود ۱۵۰ جلد آن چاپ و منتشر شده است.

اثر تفسیری استاد، «تسنیم» نام دارد که برگرفته از آیه ۲۷ سوره مطففین است: «وَمِزَاجُهُ مِنَ التَّسْنِيمِ». واژه «تسنیم» از ریشه «س ن م» به معنای بلندی و برتری (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۰۷/۳) و نام چشمه‌ای بهشتی است که شراب طهور ویژه مقربان الهی (برترین بندگان خدا: معصومان و مُخْلِصَانِ) از آن می‌جوشد.

تفسیر تسنیم از تفاسیر اجتهادی قرن پانزدهم و برآمده از درس تفسیر ترتیبی قرآن کریم است که علامه جوادی آملی در پاییز سال ۱۳۶۳ش. آن را در جمع عالمان و قرآن پژوهان حوزه علمیه قم آغاز کرد و در زمان تألیف این مقاله ادامه دارد. مفسر تسنیم شروع درس تفسیر را بدون سابقه دعوت، پیشنهاد، سنت حوزوی و هیچ عامل دیگر، بلکه بر اثر نفع‌های ملکوتی می‌داند (خرمشاهی، ۱۳۹۵: ۸۵۶/۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۵۱/۱-۴۵۲).

در سال ۱۳۷۲ش. برای تحقیق و تدوین آثار آیت‌الله جوادی «مرکز تحقیقاتی اسراء» تأسیس و با تشکیل چند گروه پژوهشی از جمله «گروه تفسیر» تحقیق و تدوین آثار معظم‌له، از جمله تسنیم آغاز شد. مرکز یادشده هم‌اکنون در قالب «پژوهشکده قرآن و عترت» از پژوهشکده‌های «پژوهشگاه علوم و حیانی معارج» (وابسته به بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء) عهده‌دار تدوین تفسیر تسنیم است.

انتشار تسنیم از سال ۱۳۷۵ش. آغاز شده و تا زمان تألیف این مقاله، ۴۵ جلد آن (دربردارنده بخش آغازین سوره نحل) به زبان فارسی منتشر شده است و در نهایت، به ۸۵ جلد می‌رسد.

تسنیم تاکنون چندین بار در درون و بیرون کشور، حائز رتبه برتر شده است؛ از جمله در سال ۱۳۸۵ش. به عنوان «تحقیق برتر در عرصه مطالعات اسلامی و قرآنی» از سوی «آیسیسکو» (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان کنفرانس اسلامی) برگزیده شد و در پیام مدیر دفتر منطقه‌ای آیسیسکو در تهران از علامه جوادی آملی به عنوان «یکی از برجسته‌ترین اساتید کم‌نظیر در جهان اسلام» یاد شده که توانسته با نبوغ و خلاقیت فاخر و نمونه و با نهایت دقت و درایت، ظرایف دانش‌های فلسفه، عرفان و کلام را فراگیرد و همه آن‌ها را در خدمت کتاب نور (قرآن) به کار گیرد.

تفسیر یادشده چنان‌که گذشت، بر مبانی خاصی استوار است و در استنباط از قرآن منهج (روش و شیوه) ویژه‌ای دارد و از گرایش و شاخصه‌های ساختاری و محتوایی ویژه‌ای برخوردار است.

شاخصه‌ها و امتیازات تسنیم

تسنیم در ارائه مباحث، ساختاری منظم، و همچنین به لحاظ محتوایی، ویژگی‌هایی بدین شرح دارد:

۱. چون نخستین مخاطبان تسنیم فارسی‌زبانان هستند، ابتدا به فارسی نگارش و انتشار یافت. فارسی و روان بودن زبان تفسیر زمینه‌ای برای بهره‌گیری گسترده‌تر فارسی‌زبانان قرآن‌پژوه از آن است، گرچه صلابت و سنگینی محتوا و همچنین نثر فاخر آن در برخی موارد، دستیابی برخی از مخاطبان را به آن دشوار کرده است.

۲. در آغاز هر سوره مباحثی کلی برای شناساندن سوره در محورهای گوناگون با عنوان «پیشگفتار سوره» مطرح شده است؛ مانند مبحث «فضای نزول سوره» که به تبیین اوضاع و ویژگی‌های دوران نزول سوره می‌پردازد. عنایت ویژه تسنیم به تبیین فضای نزول

سوره در تفاسیر پیشین کم نظیر است.^۱

۳. برای آسان‌یابی مباحث، هر آیه يك فصل و از مباحث آیه پیشین و پسین جدا شده است. موارد استثنا از این شیوه ساختاری عبارتند از: الف) آن‌جا که دو یا چند آیه، با هم پیوند تنگاتنگ لفظی یا محتوایی داشته باشند؛ ب) در آیات کوتاه و آیاتی که مباحث تفسیری آن‌ها پیش‌تر آمده است.

۴. مباحث ذیل هر آیه در تسنیم بدین‌گونه چینش شده‌اند:

الف) گزیده تفسیر: گزیده تفسیر، چکیده مباحث تفسیری و آینه آن‌ها است. گزینش گزیده تفسیر به جای ترجمه، بر این پایه است که ترجمه دقیق و معادل‌یابی برای واژگان قرآنی بر اثر محدودیت زبان مقصد، کاری ناشدنی یا دشوار است.

ب) مفردات: شرح برخی واژگان دشوارفهم آیه، با استناد به منابع واژه‌پژوهی کهن و متأخر در این بخش آمده است.

ج) تناسب آیات: این مبحث عهده‌دار بیان پیوند آیه موردب‌بحث با آیه یا آیات پیشین و گاه ربط آن با آیه یا آیات پسین است تا پیوند زنجیره‌ای آیات در سوره به‌درستی ترسیم شود.

د) تفسیر: در این قسمت، مباحث اصلی تفسیر آیه، به ترتیب چینش آن‌ها در همان آیه آمده است. بحث‌های تفسیری، مباحثی هستند که از «سیاق آیه» (واژگان، تعبیرها، جمله‌ها یا تمام آیه موردب‌بحث) یا از «سیاق آیه با آیات دیگر» (ساختار کلی کلام و از جمله در پی هم آمدن واژگان و طرز جمله‌بندی) برداشت می‌شوند و «مستند» به آیه‌اند.

ه) اشارات و لطایف: ذیل این عنوان، مباحثی می‌آیند که با موضوع آیه موردب‌بحث

۱. رک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/۲۳۵؛ ۲/۳۷-۶۲؛ ۱۳/۴۰-۴۴.

«مرتبط» هستند، ولی از واژگان، تعابیر و جمله‌های آیه بر نمی‌آیند.

و) بحث روایی: این مبحث، عهده‌دار نقل روایات تفسیری آیه، تبیین محتوای آن‌ها، بیان هماهنگی یا ناسازگاریشان با آیه، داوری درباره‌ی روایات مخالف آیه و سرانجام، بهره‌گیری از روایات در تفسیر آیه است.

دسته‌بندی روایات تفسیری در «بحث روایی»، عنوان‌گذاری آن‌ها، شرح و توضیح روایات تفسیری (با عنوان «اشاره») که نشان‌دهنده‌ی دیدگاه‌های مفسر تسنیم درباره‌ی روایات تفسیری و کوششی در جهت ارزیابی میراث ارزشمند حدیثی در حوزه‌ی تفسیر است، و سرانجام، تشریح هماهنگی محتوایشان با آیه و توجیه مخالفت ظاهری برخی روایات با آیه، به گونه‌ای که در تسنیم آمده، در تفاسیر قرآن بی‌سابقه است.

۵. رجوع مفسر به نزدیک سی تفسیر از تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت و برخی منابع واژه‌پژوهی قرآنی و بهره‌گیری گسترده از منابع یادشده در تسنیم به‌خوبی آشکار است و پانوشته‌های ارجاعی آن، شاهد این مدعا است؛ از این رو، با این‌که تسنیم تفسیر ترتیبی قرآن کریم است، در اثر گستردگی و جامعیت برخی مباحث، به‌ویژه در مجلدات نخست، تا اندازه‌ای صبغه «تفسیر موضوعی» یافته است. نمونه‌ای از مباحث گسترده، «خلافت انسان کامل» است که تمامی جلد سوم تسنیم را به خود اختصاص داده است.

۶. بر خلاف تفاسیر کهن که مباحث فراوان و گوناگون را بدون عنوان مناسب عرضه کرده‌اند، در تسنیم افزون بر عناوین ثابت و مشترک در همه‌ی آیات (گزیده‌ی تفسیر، مفردات، تناسب آیات، تفسیر، اشارات و لطایف، بحث روایی)، عناوین مقطعی، نشان‌دهنده‌ی مباحث گونه‌گون ذیل آیه‌اند.

تسنیم افزون بر آنچه در بیان منهج و گرایش تفسیری علامه جوادی آملی گذشت، از شاخصه‌هایی محتوایی نیز برخوردار است که آن را از بسیاری از تفاسیر پیشین و معاصر، متمایز می‌کند.

۱. از بزرگ‌ترین شاخصه‌های محتوایی تسنیم روش مند بودن آن است. مفسر با پایبندی به روش مندی بایسته تفسیر به آن می‌پردازد و از مرز ضابطه‌مندی گامی فراتر نمی‌نهد.^۱
 ۲. بسیاری از مباحث قرآنی و علمی که در تفاسیر پیشین به اجمال آمده‌اند، در تسنیم به شرح و تفصیل و تعلیل آن‌ها پرداخته شده است.
 ۳. شیوه تفسیر قرآن با قرآن، در تسنیم گسترش یافته است؛ به گونه‌ای که در هر برگه از آن، نمونه‌ای از این روش مشهود است.
 ۴. تسنیم در دوران حاکمیت یافتن نظام اسلامی نگاشته شده است و توجه به نیازهای حکومت دینی در آن به‌روشنی مشهود است.
 ۵. یادکرد گسترده مباحث فقهی در تفسیر آیات الاحکام قرآن و همچنین ذکر مباحث عرفان نظری (بدون به‌کارگیری اصطلاحات خاص عرفان) در تفسیر آیات مربوط به توحید و اسماء و صفات الهی نیز از امتیازات تسنیم به شمار می‌آید.^۲
 ۶. نقد و بررسی و پاسخ‌گویی به شبهات دهه‌های اخیر نیز - که در دوران نگارش تفاسیر پیشین یا مطرح نبودند یا رواج چندانی نداشتند - از مهم‌ترین امتیازات محتوایی تسنیم است.^۳
- نمونه‌ای از رویکرد پاسخ به شبهات را می‌توان در مباحثی مشاهده کرد که درباره پلورالیسم دینی^۴، سکولاریزم^۵، تساهل و تسامح^۶، اصل تنازع بقا^۷ و نظریه تحول‌انواع و
-
۱. ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۷۵-۲۳۱.
 ۲. ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۹۹/۱.
 ۳. همان: ۲۳۹/۱.
 ۴. برای نمونه، ر.ک: همان: ۳۹/۵-۴۰، ۷۷، ۸۰-۸۲، ۶/۲۱۰-۲۱۵، ۱۴/۷۳۷.
 ۵. برای نمونه، ر.ک: همان: ۲۳۹/۱.
 ۶. برای نمونه، ر.ک: همان: ۳۹۸/۷-۴۰۰، ۱۵/۴۳۷-۴۳۸، ۴۴۸.
 ۷. همان: ۷۲۴/۱۱-۷۳۹.

تکامل داروینی^۱ آمده‌اند.

۷. آزاداندیشی علمی مفسر تسنیم را در نقد و ارزیابی اندیشه‌های تفسیری استوانه‌های بزرگ دانش تفسیر، مانند طبری^۲، شیخ طوسی^۳، صدرالمآلهین شیرازی^۴، محیی‌الدین عربی^۵، محمد عبده^۶، آلوسی^۷، قرطبی^۸، زمخشری^۹، فخر رازی^{۱۰}، علامه بلاغی^{۱۱} و علامه طباطبایی^{۱۲} می‌توان مشاهده کرد.

۸. تسنیم هم به بیان و نقد آرای مفسران پیشین پرداخته و هم دیدگاه‌های معاصران را با میزان نقد و ارزیابی سنجیده است؛ اما همواره عفت قلم و نزاهت نوشتار را از هرگونه نقد تند و طعن زننده و گزنده و پرخاش ویرانگر حفظ کرده است و نقدهایش همراه با ادب، انصاف و لطافت در تعبیر است.

در پایان این مبحث، گفتنی است که علامه جوادی آملی از برجسته‌ترین شاگردان مکتب فلسفی، عرفانی و تفسیری علامه طباطبایی، مؤلف تفسیر *المیزان* به شمار می‌آید و اثر تفسیری مفسر یادشده نیز از تفاسیری است که پس از *المیزان* به جمع تفاسیر قرآن پیوست؛ از این رو، در بسیاری از مباحث تفسیری ناظر به *المیزان* است.

۱. رک: همان: ۴۳۰/۱۰؛ ۴۲۹/۱۴؛ ۱۴۳/۱۷؛ ۱۵۸-۱۵۷.

۲. همان: ۲۶۹/۱۰؛ ۵۹۸/۱۳.

۳. همان: ۲۸۵/۱۳؛ ۶۵۴/۱۴؛ ۴۷۳/۱۵.

۴. همان: ۱۰۱/۲.

۵. همان: ۱۰۱/۲؛ ۹۲/۳.

۶. همان: ۳۸۹/۱۰؛ ۱۶۷/۱۴؛ ۶۷۶؛ ۱۰۲/۱۵.

۷. همان: ۴۶۷/۱۴.

۸. همان: ۴۲۶/۱۴.

۹. همان: ۴۷۳/۱۵.

۱۰. جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۸۴/۱۳؛ ۶۸۹؛ ۱۸۵/۱۴؛ ۶۵۲؛ ۲۲۸/۱۵؛ ۴۷۳.

۱۱. همان: ۵۷۳/۱۳؛ ۹۷/۱۵.

۱۲. همان: ۱۴۵/۲؛ ۹۲/۳؛ ۳۴۷/۹؛ ۴۷۹/۱۴؛ ۵۳۱؛ ۶۸۶.

مفسر بارها در تسنیم از استاد خود، علامه طباطبایی، به عظمت یاد کرده^۱ و *المیزان* را ستوده است.^۲ دفاع از *المیزان* نیز در مواضعی از تسنیم به روشنی مشهود است.^۳ امید مفسر تسنیم نیز درباره تسنیم چنین ابراز شده است که تسنیم به نوبه خود، «المیزانِ فارسی» باشد، نه «فارسی المیزان» و المیزان پایان قرن حاضر باشد، نه المیزان وسط قرن حاضر.^۴ این دو تفسیر مشترکات فراوانی دارند: هر دو از تفاسیر اجتهادی و دارای «منهج اجتهادی جامع» هستند. در گرایش تفسیری نیز تشابه فراوان دارند. همچنین هر دو تفسیر در دوران شکوفایی و اوج گیری «نهضت بازگشت به قرآن» در جهان اسلام، نگاشته شده‌اند. علاوه بر این، هر دو تفسیر نسبت به مکاتب فکری معاصر خود رویکردی تحلیلی و انتقادی دارند و در برابر شبهات معارف قرآنی، پاسخ‌گو و مدافع حریم قدسی قرآن کریم هستند.



۱. برای نمونه، رک: همان: ۱۹۹/۱، ۲۳۱، ۲۸۳؛ ۳۰۸/۱۰.
۲. در تفسیر آیه ۴ سوره جمعه؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۲/۱.
۳. همان: ۱/ ۲۳۰.
۴. خرمشاهی، ۱۳۹۵: ۸۶۱/۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۶۸/۱.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، گردآوری سید رضی.
۳. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵)، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، به کوشش سید مرعشی و مجتبی عراقی، دار سید الشهداء للنشر، قم.
۴. ابن عطیه اندلسی عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دار الکتب العلمیة، بیروت.
۵. ابوطبره، هدی جاسم محمد (۱۳۷۲)، المنهج الأثری فی تفسیر القرآن، دفتر تبلیغات، قم.
۶. احمد بن فارس (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الإعلام الاسلامی، قم.
۷. اسلامی، علی (۱۳۸۸)، «تسنیم سنام معرفت قرآن»، فصلنامه اسراء، قم، مرکز نشر اسراء، سال اول، شماره ۱.
۸. انوری، حسن؛ و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، سخن، تهران.
۹. بابایی، علی اکبر (۱۳۸۱)، مکاتب تفسیری، سمت، تهران.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۱. ——— (۱۳۸۴)، الوحی و النبوة، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۲. ——— (۱۳۸۶)، سرچشمه اندیشه، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۳. ——— (۱۳۸۷)، مهر استاد، سیره علمی و عملی استاد جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۴. ——— (۱۳۸۸)، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء.

۱۵. _____ (الف) ۱۳۸۹، نزاهت قرآن از تحریف، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۶. _____ (ب) ۱۳۸۹، قرآن حکیم از منظر امام رضا علیه السلام، ترجمه زینب کربلایی، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۷. _____ (۱۳۸۶)، رحیق مختوم شرح حکمت متعالیه، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۸. خرماهی، بهاءالدین (۱۳۹۵)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، انتشارات دوستان، تهران.
۱۹. رومی، فهد بن عبدالرحمان (۱۴۱۸)، اتجاهات التفسیر فی العصر الحدیث، الرسالة، بیروت.
۲۰. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش عبدالرحمن مرعشی و دیگران، دار المعرفة، بیروت.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۹۷)، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۲. سیزواری، حاج ملاحادی (۱۳۸۶)، شرح المنظومة، شریعت.
۲۳. شاکر، محمداکظم (۱۳۸۲)، مبانی و روش های تفسیری، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
۲۴. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد علیهم السلام، به کوشش کوچه باغی، مؤسسه الاعلمی، تهران.
۲۵. دهخدا، علی اکبر؛ و دیگران (۱۳۷۳)، لغت نامه، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، تهران.
۲۶. عباس، فضل حسن (۱۴۲۷)، المفسرون مدار سهم و مناهجهم، دار النفائس، اردن.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۲۸. مركز فرهنگ و معارف قرآن كريم (۱۳۸۲)، دائرة المعارف قرآن كريم، مؤسسه بوستان كتاب، قم.
۲۹. مصطفى مسلم (۱۴۱۵)، مناهج المفسرين، دار المسلم، رياض.
۳۰. معرفت، محمد هادي (۱۴۱۸)، التفسير و المفسرون، الجامعة الرضوية، مشهد.
۳۱. معين، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسي، امير كبير، تهران.
۳۲. هندی، علاءالدين على المتقى بن حسامالدين (۱۴۱۹)، كنز العمال فى سنن الأفعال والأفعال، تحقيق بكرى حيانى، صفوة الصفا، مؤسسة الرسالة، بيروت.

